

بررسی معناشناختی مفهوم "بأس" در قرآن کریم با رویکرد تحلیل مولفه‌های

کبری راستگو^۱، مرضیه مهدی زاده^۲

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، دانشکده تربیت مدرس قرآن، مشهد

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده تربیت مدرس قرآن، مشهد

چکیده

معناشناسی به عنوان یکی از شاخه‌های دانش زبان‌شناسی به تحلیل معنایی واژه‌ها و جمله‌های یک متن می‌پردازد و با آن می‌توان جایگاه دقیق کلمه‌ها و ترکیب‌های آن را از طریق نظام معنایی بدست آورد. معناشناسان برای مطالعه دقیق‌تر معنای واژه‌ها، مفهوم آن‌ها را به مشخصه‌هایی تجزیه می‌کنند. هر یک از این مشخصه‌ها، مولفه‌های معنایی خاصی را برای مفهوم یک صورت زبانی در نظر می‌گیرد و هر کدام از آن‌ها یک نشان به شمار می‌آیند. بی‌شک جایگاه محوری کلام مجید در منظومه فکری اسلام و محدودیت‌های گزینشی، همنشینی و جانشینی حکیمانه واژگان و تعابیر و جملات آن، تدبیر در این کلام وحیانی و بهره‌مندی از آموزه‌های آن را ضروری می‌نماید. یکی از واژه‌های معنادار این کتاب الهی که طبق محدودیت‌های همنشینی کلام مجید در بافت‌هایی مشخص و در مجاورت واژگانی معین استعمال شده است، مفهوم بأس است که گفتار حاضر با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی و کاربست رویکرد تحلیل مولفه‌ای در پی پاسخ به این دو پرسش اساسی است که مولفه‌های اصلی معنا ساز واژه بأس کدامند؟ و این مفهوم برحسب مولفه‌های مذکور شایسته چه بافت/بافت‌هایی خواهد بود؟ یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که مفهوم بأس در قرآن کریم از اتم‌های معنایی [+فشار]، [+مقدار] [+انتزاعی] و [+موقعیت ناملازم] برخوردار است که این مشخصه‌ها استعمال این واژه را محدود به بافت‌هایی همچون فقر، جنگ، کفر و شرک و امثال آن که ناصراً در صدد برجسته‌سازی آن موقعیت ناملازم است، می‌کند. از این روست که در گزاره‌های قرآنی مفهوم بأس غالباً در فضای کفر و مقایسه عقوبات بشری با عقوبات الهی استعمال شده است.

واژگان کلیدی: معناشناسی، مولفه معنایی، بأس، قرآن